



تحلیل آسیب‌شناختی کتاب‌شناسی‌های توصیفی و تحلیلی حوزه اسطوره در ادبیات و هنر**

سید محمد هاشمی^۱ ID، احمد خواجه‌ایم^۲ ID، علی تسنیمی^۳ ID، زهرا جمشیدی^۴ ID

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. Mo-hashemi@hsu.ac.ir

^۲ (نویسنده مسؤل) استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. khajehim@yahoo.com

^۳ دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. a.tasnimi@hsu.ac.ir

^۴ استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. z.jamshidi@hsu.ac.ir

چکیده

کتاب‌شناسی‌ها در جایگاه اساسی‌ترین منابع جست‌وجو و پژوهش، یاری‌گر محققان هستند. آن‌چنان‌که در دهه گذشته در زمینه‌های گوناگون شاهد روی آوردن پژوهشگران به نوشتن کتاب‌هایی در این زمینه بوده‌ایم. در این بین کتاب‌شناسی‌هایی که درباره یک رشته نوپا در کشورمان نگاشته می‌شوند، اهمیت دوچندان می‌یابند. اسطوره‌پژوهی در سال‌های متأخر در بین پژوهشگران، علاقه‌مندان بسیاری یافته و چه در تألیف و چه در ترجمه از نظر کمی و کیفی رشد قابل توجهی پیدا کرده است. استقبال مؤلفان و مترجمان و روی آوردن به موضوعات اسطوره، باعث چاپ و تعدد کتاب‌های بسیاری درباره اسطوره‌های ایران و دیگر کشورهای جهان گشته و به تبع آن، برخی از محققان برای آسان کردن کار علاقه‌مندان به این حوزه، به‌سوی کتاب‌شناسی اسطوره رفته و سعی کرده‌اند تا با معرفی و تحلیل آثار نوشته شده در این زمینه، کمک بیش‌تری به رشد این شاخه ارزشمند از علوم انسانی داشته باشند. مسئله‌ای که پژوهش حاضر دنبال می‌کند آسیب‌شناسی این نوع پژوهش‌ها است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که با وجود ارزشمندبودن این کار، کتاب‌شناسی اسطوره، گرفتار آسیب‌های فراوانی شده است: رویکرد متفاوت و غیرعلمی در بخش توصیف، عدم تحلیل و یا تحلیل‌های غیرعلمی و گزینشی کتاب‌ها، عدم تسلط نویسندگان بر موضوع اسطوره، کاستی‌های دانشگاهی و علمی و فرهنگی که مهم‌ترین آن عدم توجه به این نوع از دانش سودمند می‌باشد و هم‌چنین حجم بالای کتاب‌شناسی‌ها که احتمال خطاهای محتوایی و نگارشی را بالا می‌برد- و از سویی نقطه قوت آن به شمار می‌آید- از جمله این آسیب‌ها می‌باشد.

اهداف پژوهش:

۱. آسیب‌شناسی در حوزه کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اسطوره و دلایل به‌وجود آمدن آن‌ها.

۲. شناسایی عوامل رشد و بالندگی کتاب‌شناسی حوزه اسطوره در ادبیات و هنر.

سؤالات پژوهش:

۱. کتاب‌شناسی اسطوره در ایران چه کاستی‌ها، نابسامانی‌ها و آفت‌هایی دارد و راه حل آن چیست؟

۲. آسیب‌شناسی در این حوزه چه تأثیری بر بالندگی کتاب‌شناسی در زمینه اسطوره خواهد داشت؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۷۵۷ الی ۷۷۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

آسیب‌شناسی،

کتاب‌شناسی،

اسطوره،

توصیف،

تحلیل.

ارجاع به این مقاله

هاشمی، سید محمد، خواجه‌ایم، احمد،

تسنیمی، علی، جمشیدی، زهرا. (۱۴۰۲).

"تحلیل آسیب‌شناختی کتاب‌شناسی‌های

توصیفی- تحلیلی حوزه اسطوره در ادبیات

و هنر". مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)،

۷۷۱-۷۵۷.



[dori.net/dor/20.1001.1](https://doi.org/10.22034/IAS.17357081402049398)

[.17357081402049398](https://doi.org/10.22034/IAS.17357081402049398)



[dx.doi.org/10.22034/IAS](https://doi.org/10.22034/IAS.17357081402049398)

[.20.22.331762.1887](https://doi.org/10.22034/IAS.17357081402049398)

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری "سید محمد هاشمی" با عنوان کتاب‌شناسی تحلیلی- توصیفی اسطوره در سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ است که به راهنمایی دکتر "احمد خواجه‌ایم" و مشاوره دکتر "علی تسنیمی" در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه "آزاد" واحد "دانشگاه حکیم سبزواری" ارائه شده است.

مقدمه

کتاب‌شناسی یکی از بهترین روش‌های کسب آگاهی از وجود و فایده یک کتاب است و «هدف اساسی آن نیز کمک به استفاده‌کننده در تشخیص وجود یا شناسایی یک کتاب یا هر ماده‌ی دیگر است که امکان دارد شخص به آن توجه کند» (بیگدلی: ۱۳۸۶: ۱۴). کتاب‌شناسی در تمام زمان‌ها و مکان‌ها اهمیت فراوانی داشته است. «قدیمی‌ترین کتاب‌شناسی، فهرست کتابخانه آشوربانی‌پال در نینوا بوده است» (مرادی، ۱۳۷۹: ۴۷). کتاب‌شناسی می‌تواند یکی از مهم‌ترین گام‌های پژوهش برای بسیاری از پژوهشگران باشد، اما در ایران و به‌خصوص در زمینه اسطوره این کار رونق چندانی نیافته است. شاید مهم‌ترین دلیل کم‌رنگ ماندن و به حاشیه رفتن تحقیقاتی در این زمینه را بتوان عدم رویکرد علمی و دقیق به مسئله‌های پژوهشی دانست که باعث آسیب‌ها و کاستی‌های فراوانی در این موضوع شده است. «مطالعات ادبی در فرایند بریده‌بریده و بدون پیوند با آثار ادبی هر دوره، به پیش‌فرض‌های نادرستی می‌انجامد و نتیجه آن، عدم دست‌یابی به نگاه کلانی است که برای جریان‌شناسی و دوره‌بندی‌های متنوع و تاریخی ضرورت دارد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۶)؛ این درحالیست که این شاخه از دانش انسانی به سرعت در تمامی رشته‌ها در حال رشد است. «شاخه‌های موضوعی مختلف و حوزه‌های وسیع دانش، کتاب‌شناسی‌ها و نسخه‌های خاص از راهنمای کتاب‌های مرجع را برای خود دارند» (کتس، ۱۳۸۲: ۱۰۳). برخی از پژوهشگران براساس عادت نادرست، به‌صورت پراکنده و مشوش کار تحقیقاتی خود را انجام می‌دهند و تنها به فکر افزودن بر تعداد منابع هستند تا ارزش ظاهری تحقیق خود را بالا ببرند؛ غافل از آنکه اگر در موضوع مورد مطالعه آنان و در حوزه کتاب‌شناسی، محقق بر روی موضوع مورد مطالعه آنان کار کرده باشد، به آسانی و با صرف زمان بسیار کم‌تری به راحت‌ترین شکل ممکن از ثمره کوشش آن نویسنده برخوردار می‌شوند. «کسی که تحقیق می‌کند یا کتاب می‌نویسد باید خواه ناخواه به کتاب‌ها و آثاری که در زمینه کار او وجود دارد، مراجعه کند» (صافی، ۱۳۶۴: ۵۲). این استفاده از کتاب‌شناسی‌ها حتی می‌تواند ارتباط مستقیم با تحقیق نداشته باشد، اما یاری‌کننده محقق به‌صورت غیرمستقیم باشد و آنان را به منابع دیگری هدایت کند (ر.ک: حسن لاریجانی، ۱۳۸۱: ۲۶).

به هر روی هر نوع تحقیقی می‌بایست از اصول درست پیروی کند تا نتایج برآمده از آن نیز دقیق و علمی و کاربردی باشد. «یافته‌های علمی علاوه بر آن که می‌بایست با اصول معین نوشته شود، باید به اندیشه تولید دانش، جهت برنامه‌ریزی و رشد صحیح و بالابردن سطح آگاهی و فرهنگ تحریر گردد» (صافی، ۱۳۸۲: ۱۳۹). نکته دیگری که باید به آن توجه داشت آن است که در کتاب‌شناسی‌ها، گاه علاوه بر توصیف کتاب که به معرفی چارچوب اصلی کتاب و موضوعات مطرح شده در آن می‌پردازد و در حقیقت معرفی بخش‌های مختلف کتاب است، مؤلفان به تحلیل کتاب از نظر محتوایی و بررسی ارزش علمی اثر نیز می‌پردازند. این کار نیز کمک شایانی به پژوهشگرانی می‌کند که می‌خواهند آثار مورد مطالعه خود را گزینش نمایند و به‌عنوان منابع اصلی از آن کمک بگیرند. یکی از اهداف اساسی کتاب‌شناسی، کمک به مخاطبین در تشخیص، معرفی و به‌گزین کردن آثار درجه یک برای پژوهش‌ها و یا علاقه‌مندی‌ها به حوزه‌های موجود دانش است. درنگ در آثار نوشته شده و نگاه نقادانه به آن‌ها، افزون بر آن که باعث

آگاهی بخشی مخاطبان درباره آثار نقد شده می‌شود، زمینه را برای کمال بخشی آن آثار فراهم می‌کند. این امر زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که بدانیم تألیفات و به‌ویژه کتاب‌شناسی‌ها می‌توانند تأثیرات خوبی بر آثاری بگذارند که با تکیه بر آن‌ها نوشته خواهند شد یا با در نظر گرفتن منابع ذکر شده در آن‌ها، تألیف و عرضه می‌شوند. به همین دلیل ارائه الگوهای ویژه برای گردآوری کتاب‌شناسی، محققان را برآن داشت که طرح و الگویی جامع و منطقی برای پژوهش‌های کتاب‌شناسی ارائه دهند تا پژوهشگران در این زمینه سردرگم نشوند.

شیوه‌های گوناگون کتاب‌شناسی و تقسیم‌بندی‌های مختلف متون مرجع‌شناسی و کتاب‌شناسی در آثار پژوهشگران دیده می‌شود. به‌عنوان مثال عده‌ای کتاب‌شناسی را از دید موضوع، هدف، محدوده جغرافیایی، شیوه تنظیم، نشر، اطلاعات کتاب‌شناختی و... تقسیم‌بندی کرده‌اند. از منظر موضوع می‌توان کتاب‌شناسی را به دو نوع عمومی و اختصاصی تقسیم کرد و همچنین باید دقت داشت که در حوزه اسطوره که کتاب‌شناسی اختصاصی محسوب می‌شود؛ مشخص بودن هدف نگارنده، امری ضروری است. بنابراین هدف از این پژوهش، آسیب‌شناسی متون کتاب‌شناسی اسطوره است و صرفاً به بحث توصیف و تحلیل آن نمی‌پردازد.

در تقسیم‌بندی کتاب‌شناسی می‌توان از منظر هدف به دو گزینه اشاره کرد: ۱. تقسیم بندی کتاب در جایگاه یک عینیت مادی که کتاب‌شناسی تحلیلی یا انتقادی نامیده شده و خود شامل سه نوع متنی، تاریخی و توصیفی است؛ ۲. مطالعه کتاب در جایگاه یک عینیت ذهنی که کتاب‌شناسی تنظیمی یا شمارشی نامیده می‌شود (مرادی، ۱۳۷۹: ۲۲). کتاب‌شناسی تحلیلی که عموماً با عنوان، تحلیلی- انتقادی یا تاریخی نامیده می‌شود، تنها برای متخصصان سودمند است. در این نوع کتاب‌شناسی، یک اثر را از هر نظر، به‌ویژه از دو زاویه مطالعه می‌کنند: ۱. ویژگی‌های طبیعی چون نوع کاغذ، صحافی و تصاویر؛ ۲. خصوصیات متن برای تعیین اختلافات یک اثر با اثر دیگر. در واقع در این نوع کتاب‌شناسی، کتاب‌شناس خبره یا متخصص موضوعی، منابع مربوط به یک موضوع، رشته یا شخص خاص را با دقت بررسی، توصیف، تحلیل، معرفی، تحلیل و نقد می‌کند (مسرت، ۱۳۷۳: ۵۲).

نکته‌ای که در این نوشتار مطرح است آن است که نویسندگانی که در زمینه کتاب‌شناسی و به‌ویژه آن‌چه مربوط به این نوشتار است؛ یعنی اسطوره، فعالیت داشته‌اند، در نوشتار خود دچار چه آسیب یا آسیب‌هایی شده‌اند. این آسیب‌شناسی نه تنها از ارزش کار سترگ و پر از رنج چندین ساله آنان نمی‌کاهد، بلکه می‌تواند راه را برای تحقیقاتی هرچه بهتر در زمینه کتاب‌شناسی اسطوره هموار سازد. این تحقیق براساس روش گردآوری اطلاعات و منابع مورد استفاده کتابخانه‌ای است. در این تحقیق همه کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی که در زمینه کتاب‌شناسی اسطوره به نگارش درآمده‌اند، مورد مطالعه دقیق قرار گرفت. سپس آسیب‌هایی که در حوزه کتاب‌شناسی اسطوره وجود داشته، مورد مذاقه و نقد قرار گرفته است. همچنین برای کامل‌تر بودن نتیجه تحقیق، مقالاتی که در حوزه کتاب‌شناسی اسطوره به نگارش درآمده‌اند نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

در زمینه اسطوره اگرچه فرهنگ‌های متعددی نوشته شده است؛ از جمله کتاب ارزشمند «فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی» از محمدجعفر یاحقی (- ۱۳۲۶ ه.ش) و فرهنگ‌های دیگری که بیش‌تر به جهت آشنایی خوانندگان با شخصیت‌ها، روایت‌ها، مکان‌ها و هر آنچه مربوط به اطلاعات در زمینه اسطوره می‌باشد، اما در حیطه کتاب‌شناسی به جز کتاب «کتاب‌شناسی اساطیر و ادیان» نوشته فرخنده حاجی‌زاده که اطلاعات مربوط به ۱۲۶۲ عنوان کتاب در زمینه اساطیر و ادیان مختلف جهان را براساس الفبای نام نویسنده گردآوری نموده است، کتاب دیگری نوشته نشده است. تنها در طول سال‌های گذشته چند پایان‌نامه و رساله به کوشش دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی به رشته تحریر درآمده است. هرکدام از این پایان‌نامه‌ها بخشی از کتاب‌شناسی در حوزه اسطوره را دربر می‌گیرد که به این موارد اشاره می‌شود:

جبار ناصرو (۱۳۹۰) در رساله دکتری خود با عنوان «کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اساطیر ایران، هند، بین‌النهرین، چین و ژاپن در زبان فارسی (۱۳۰۰ تا ۱۳۸۹)»، به ذکر کتاب‌شناسی آثاری در حوزه اساطیری که در عنوان این رساله آمده، پرداخته است. محمدی (۱۳۹۲)، با نوشتن پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اساطیر یونان در زبان فارسی (۱۳۰۰ تا ۱۳۸۹)»، در این حوزه صاحب اثر است. آریا (۱۳۹۱) با «کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اساطیر آمریکا، مصر، اسکانداوناوی (۱۳۰۰ تا ۱۳۸۹) و بررسی عناصر مشترک آن‌ها با اساطیر ایرانی»، که پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌باشد. رضوانی (۱۳۸۸) با «کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اساطیر ایران در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵»، که پایان‌نامه کارشناسی ارشد است. خاکپور (۱۳۹۱) با «تحلیل، طبقه‌بندی و کتاب‌شناسی اسطوره از آغاز سال ۱۳۵۰ تا پایان سال ۱۳۹۰»، که پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌باشد. با آنکه در حوزه کتاب‌شناسی، کتاب‌های نوشته شده دیگری وجود دارد و برخی محققان به کتاب‌شناسی درباره مشاهیر و بزرگانی چون: مولوی، سعدی، حافظ، سنایی، عطار و... پرداخته‌اند، اما در زمینه اسطوره تنها موارد ذکر شده به نگارش درآمده‌اند.

۱. اسطوره‌شناسی در ادبیات و هنری

ارتباط تنگاتنگ ادبیات و هنر از ادوار کهن تاریخی سبب شده است تا بسیاری از مضامین موجود در ادبیات در هنر و آثار هنری نیز نمود واضحی داشته باشند. در ایران نیز این ارتباط سبب نزدیکی ادبیات و هنر شده است. در این میان، اسطوره و اسطوره‌شناسی یکی از مضامین مهم و محوری در ادبیات و هنر ایرانی-اسلامی بوده‌اند. اسطوره و هنر همواره در یک ارتباط دوسویه زیسته‌اند و از گذشته‌های دور همراه با هم بوده‌اند. اسطوره‌ها اگرچه موضوعاتی قدیمی به نظر می‌رسند، اما به دلیل ماهیت بی‌زمانی، بی‌مکانی و بی‌مرگی خود در سال‌های اخیر نیز تأثیر زیادی بر هنرهای معاصر داشته‌اند.

روند روبه‌رشد کتاب‌های تألیفی و ترجمه در زمینه اسطوره و آشنایی دانشجویان- به‌خصوص در شاخه ادبیات حماسی- و هم‌چنین دریافت این حقیقت که اسطوره‌ها با تاریخ، ادیان، فلسفه، روان‌شناسی و... در پیوند ناگسستنی

می‌باشند؛ باعث آن گشته است که برخی از محققان در صدد معرفی کتاب‌هایی باشند که در حوزه اسطوره به نگارش درآمده است و کتاب‌شناسی‌ها از مهم‌ترین و اصلی‌ترین روش‌ها برای آگاهی با نوشته‌های این حوزه است. از این‌رو نقد و بررسی کتاب‌شناسی در اسطوره نیز ضروری می‌نماید تا با نشان دادن آسیب‌ها و کاستی‌های کتاب‌شناسی‌های توصیفی و تحلیلی اسطوره، گامی به سوی هرچه منقح‌تر نمودن این گونه نوشته‌ها برداریم.

۲. بایستگی‌های آسیب‌شناسی در حوزه کتاب‌شناسی اسطوره

بی‌شک در دو دهه گذشته، تغییرات بسیاری در زاویه دید محققان و پژوهشگران نسبت به اسطوره پدید آمده است. اسطوره‌شناسی در جهان کنونی، شاخه‌ای علمی است که در دو بخش محتوا و تحلیل به دنبال کشف باورها، آرزوها، آرمان‌ها و تفکرات هستی‌شناسانه بشر است و دیگر هیچ محقق آگاهی، اسطوره را برگرفته از تخیلات پوچ و افسانه‌های بدون پشتوانه علمی و تنها سرگرم‌کننده نمی‌داند؛ از این‌رو پرداختن به همه آنچه که به‌عنوان آسیب و نقص بر حوزه اسطوره‌شناسی و اسطوره‌پژوهی وارد شده است، امری ضروری و غیرقابل اجتناب می‌کند. «تا زمانی که در مطالعه اسطوره، تمام توجه به لایه‌های ظاهری این مقوله معطوف باشد، فایده‌ای نیز برای آن در نظر گرفته نمی‌شود، اما با گذر از ظاهر و تفسیر معانی باطن اسطوره‌هاست که روزه‌ای برای فهم حقیقت اسطوره فراهم می‌آید (کزازی، ۱۳۷۲: ۲۰۲-۲۰۱).

بررسی و نقد کتاب‌شناسی‌های صورت گرفته و نگاه آسیب‌شناسانه به این نوشته‌ها، فرصت بازبینی فعالیت‌های انجام گرفته را بیش‌تر فراهم می‌سازد. اگر این بازاندیشی با آفت‌شناسی همراه گردد، به بالندگی هرچه بیش‌تر مطالعات کتاب‌شناسی اسطوره می‌انجامد. «هر تحقیق و پژوهشی محتاج شناخت محورهای موضوعی و منابع و مآخذ مربوط به آن است و کتاب‌شناسی‌ها پایه و اساس این شناخت محسوب می‌شوند» (کریمیان سردشتی و عسکری، ۱۳۷۹: ۱۳). کاستی‌شناسی دقیق در این حوزه، راهی نو در برابر پژوهشگرانی می‌گذارد که با صرف وقت فراوان به دنبال راهی برای کمک به علاقه‌مندان دانش اسطوره‌شناسی هستند. «نقد در هر شکلی به گونه علمی و صحیح آن برای پیشرفت و پیشبرد علمی و فرهنگی بسیار موردنیاز است، اما به یک سنت فرهنگی در جامعه ایران تبدیل نشده است» (سینایی، ۱۳۸۶: ۳۱۶). این نگاه نو می‌تواند الگوی مناسبی برای تمامی زمینه‌های کتاب‌شناسی توصیفی-تحلیلی باشد، چون آسیب‌شناسی، دانشی است که در حوزه علوم انسانی اهمیت ویژه‌ای دارد. نبود آن لطمه‌های جبران‌ناپذیری به ساختار علوم انسانی و در نتیجه، پژوهش‌های این حوزه می‌زند. «کتاب‌شناسی‌ها که اصولاً براساس معیارهای جهانی تدوین می‌شوند، سبب دسترسی بسیار سریع به اطلاعات و برای پژوهندگان باعث عدم تکرار و دوباره‌کاری‌های پژوهشی می‌شوند» (محمدی‌فر، ۱۳۷۶: ۴). از سویی توجه به زوایای مختلف و جذابیت‌های این شاخه از علوم انسانی، رو به افزایش نهاده است. «با علاقه‌مندی مردم‌شناسان و دیگر دانشمندان علوم، پیگیری و تحقیق در این رشته به اوج رسید. پرورش این علم رو به گسترش نهاد و هر رشته، بسته به تحقیقات خویش از دیدگاه‌های مختلف، نظریات متنوعی را اظهار کردند» (باستید، ۱۳۷۰: ۱۷).

با مروری بر پژوهش‌های پیشین درمی‌یابیم که در حوزه کتاب‌شناسی به زبان فارسی، درباره کتاب‌شناسی اسطوره، تحقیقاتی صورت گرفته است که باتوجه‌به رو به فزونی گذاشتن دانش، این پژوهش‌ها نیازمند بازبینی و بهبود یافتن است.

۳. گوناگونی و تنوع دیدگاه در حوزه کتاب‌شناسی

اصولاً کتاب‌شناسی‌ها را می‌توان براساس ملاک‌های مختلف به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- کتاب‌شناسی انتقادی که در آن علاوه بر مشخصات اصلی کتاب، محتوای کتاب نیز به‌طور خلاصه، طرح، ارزیابی و نقد می‌شود. این کتاب‌شناسی به معنای علمی، مترادف با کتاب‌شناسی تحلیلی و تاریخی است؛ ۲- کتاب‌شناسی توصیفی که در آن علاوه بر مشخصات اصلی کتاب و وصف آن، نوع کاغذ، جلد و چاپ، تصاویر و دیگر جنبه‌های آن ذکر می‌شود و در مورد کتب معمولی چاپی، موضوع و محتوای کتاب نیز به‌طور خلاصه معرفی می‌شود. کتاب‌شناسی توصیفی را پلی به سوی نقد ادبی می‌دانند (ر.ک: فتاحی، ۱۳۷۸: ۲۸)؛ ۳- کتاب‌شناسی تحلیلی که با بررسی دقیق مسائل مربوط به تألیف، نشر و تعدد و تنوع نسخ، اطلاعاتی درباره وضعیت فیزیکی کتاب‌ها ارائه می‌دهد. هم‌چنین از طریق مطالعه متون، شواهدی می‌آورد و به تعیین و تشخیص هویت کتاب‌هایی می‌پردازد که بدون ذکر نام مؤلف یا نام‌های مستعار تألیف شده‌اند؛ ۴- کتاب‌شناسی پدیدآور که سیاهه‌ای از آثار نویسنده و نیز کتاب‌ها و مقاله‌هایی که درباره وی نوشته می‌شود را گردآوری می‌کند. مانند کتاب‌شناسی حافظ. این نوع کتاب‌شناسی، نوعی کتاب‌شناسی انتقادی نیز محسوب می‌شود، زیرا علاوه بر اطلاعات کتاب‌شناسی هر اثر، ممکن است نقد و تحلیل آن اثر نیز آورده شود.

به جز تقسیم‌بندی ارائه شده، می‌توان کتاب‌شناسی‌ها را از نظر: اهداف، قلمرو جغرافیایی، دامنه موضوعی، انتفاعی بودن، شمول، زمان و... نیز بررسی و تقسیم‌بندی کرد (ر.ک: برومند، ۱۳۶۸: ۳۱-۲۲). در بررسی آسیب‌شناسی کتاب‌های اسطوره، تأکید این مقاله بر کتاب‌شناسی‌های توصیفی و تحلیلی است و انواع کتاب‌شناسی را دربر نمی‌گیرد.

۴. کاستی‌ها در حیطه توصیف کتاب‌های اسطوره

در حال حاضر، کتاب‌شناسی‌های ادبی که اغلب واژه‌های «توصیفی»، «تحلیلی» و «انتقادی» را در عنوان خود دارند، مجموعه‌های مفصلی از مرور و معرفی آثار چاپ شده هستند و مؤلف کوشیده است با کتاب‌سنجی و بهره‌گیری از روش‌های آماری به روشنگری در باب اثرپذیری کتاب‌ها از یکدیگر و حوزه‌های مورد علاقه پژوهش نیز بپردازد. تقریباً تمامی نوشته‌هایی که در زمینه کتاب‌شناسی اسطوره به نگارش درآمده‌اند، در جنبه توصیفی اشتراکاتی با یکدیگر دارند و گاه افتراقاتی. برخی از مؤلفان، تنها به آوردن نام نویسنده، عنوان، نویسنده همکار، مترجم، ناشر، محل نشر، تاریخ نشر و ویژگی‌های ظاهری اثر پرداخته‌اند و تنها در برخی از کتاب‌ها، چکیده توصیفی نیز آورده‌اند که این کار،

بیش‌تر از آنکه کاری علمی باشد و به خوانندگان برای شناختن هرچه بهتر آثار کمک‌کار باشد، تنها آماری از کتاب‌های منتشر شده‌ی زمان مورد مطالعه نویسنده پژوهش را بیان می‌دارد. با در نظر گرفتن این مسئله که موتورهای جست‌وجو در وب، بسیاری از اطلاعات توصیفی در باب کتاب‌ها و مقالات را دربر دارد و تارنماهای بسیاری نیز وجود دارد که کتاب‌ها و مقالات پدید آمده درباره‌ی متون ادبی را معرفی کرده است و همچنین در آینده نزدیک ابر داده‌های توصیفی - که از راه‌های نوین رایانه‌ای کردن نمایه کتاب‌هاست - به فهرست کتابخانه‌ها اضافه خواهد شد؛ این شیوه توصیفی که در کتاب‌شناسی‌های اسطوره دیده می‌شود، دیگر کاربرد خود را برای مخاطبان از دست خواهد داد. ابر داده‌های توصیفی شامل عنوان کتاب، مبدع آن، موضوع، تاریخ، کلیدواژه و چکیده‌ای از کتاب است (ر.ک: دیگن و تانر، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

نکته دیگر آن که برخی از کتاب‌های بنیادین در زمینه اسطوره از چشم نویسنده دور مانده یا دستخوش نظرهای شخصی نویسنده شده است و موارد ذکر شده به دلیل نبود یک روش جامع و منسجم است. البته این نوع کتاب‌شناسی، برای کسانی که تنها دانستن نام کتاب برایشان کافی است، مناسب می‌نماید، اما برای خوانندگانی که می‌خواهند اطلاعات جامع‌تر و میسوط‌تری از هر کتاب بیابند، ناکافی است. در برخی از کتاب‌شناسی‌ها نیز تنها چکیده توصیفی برخی از کتاب‌ها در پایان کتاب با ارجاع به شماره مدخل به چاپ رسیده است.

از سویی دیگر، برخی از نویسندگان کتاب‌شناسی‌های اسطوره، شیوه یکسانی را برای کار خود انتخاب نکرده‌اند. گاه به شکل جامع و کامل کتابی را - جدا از ارزش علمی آن - توصیف کرده‌اند و گاه درباره کتابی دیگر به شکل مختصر و کوتاه کار توصیف را انجام داده‌اند. شاید مهم‌ترین علت، حجم بالای کتاب‌هایی است که در زمینه کتاب‌شناسی اسطوره نوشته یا ترجمه شده است. این مطلق شدن نوشته، معمولاً از دقت علمی کار می‌کاهد. هرچند لازمه تحقیق، تلاش و پشتکار است و «به‌طور کامل وابسته به استعداد و تکاپوی انسانی است» (منصوری، ۱۳۸۴: ۵۷)، اما واقعیت انکارنشده‌ی درباره کتاب‌شناسی‌ها و فرهنگ‌ها این است که این آثار با وجود زحمت فراوان نویسندگان، فقط در صورت نیاز، محققان را وادار به مراجعه به این نوع از کتاب‌ها می‌کند.

۵. کاستی‌ها در حیطه تحلیل کتاب‌های اسطوره

از مهم‌ترین آسیب‌هایی که در حوزه کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسطوره با آن روبه‌رو هستیم، تحلیل و نقد کتاب‌هایی است که در بازه زمانی مورد ادعای نویسندگان بدان‌ها پرداخته شده است. بی‌شک آغازگر اسطوره‌پژوهی ایرانی به روش علمی، دانشگاهی و مدرن، زنده یاد مهرداد بهار (۱۳۷۳-۱۳۰۸ ه.ش) است (ر.ک: اسماعیل‌پور مطلق، ۱۳۸۱: ۲۱۳)، اما متأسفانه در حوزه نقد اسطوره، مانند دیگر رشته‌های علوم انسانی، بیش‌تر شاهد نقدهای یکسان و تکراری هستیم. «نقدها بیش‌تر از روی آوردن به تفکر انتقادی و آسیب‌شناسی، به تعریف و بزرگداشت و تکرار مکررات درآمخته است» (فروزان کیا، ۱۴۰۰: ۶).

کتاب‌شناسی تحلیلی، دایره وسیعی از حرفه‌ها و موضوعات را دربر می‌گیرد. این نوع کتاب‌شناسی، به متن مؤلف و بررسی متن مؤلف و انتقال این متن از نسلی به نسل دیگر و از مکانی به مکان دیگر می‌پردازد. هم‌چنین بررسی ارتباط بین متون مختلف از لحاظ سرقت، گزینش، اختصار، شرح، تعلیق، تقریر و... به این کتاب‌شناسی مربوط است. از طریق کتاب‌شناسی تحلیلی، امکان انتساب کارهای مجهول به مؤلفان حقیقی فراهم می‌آید. چنانکه از این طریق، امکان انتساب کتاب به ناشر یا طابع به‌دست می‌آید. باید توجه داشت که در کتاب‌شناسی‌هایی که تاکنون درباره موضوع اسطوره نوشته شده است، منظور از تحلیل، بررسی و تحلیل محتوای کتاب‌هایی است که درباره موضوع اسطوره و در بازه زمانی معین و مشخصی است و تحلیل به معنی رویکرد انتقادی کتاب‌ها برای تعیین ارزش علمی آن‌ها می‌باشد و موضوعات دیگر را که در راستای تحلیلی بودن کتاب‌شناسی است شامل نمی‌شود. «وجود نقد درست در زمینه اساطیر و حماسه، مانند ترازویی است که قدر و ارزش آثار را تعیین می‌کند» (رهگذر، ۱۳۶۸: ۳۱) و باید دانست که «تفکر انتقادی همان تفکر منطقی است» (مایزر، ۱۳۷۴: ۹).

با وجود این ادعا، بزرگ‌ترین آسیبی که در کتاب‌شناسی‌های موجود در زمینه اسطوره دیده می‌شود، بحث تحلیل کتاب‌ها است. برخی از نویسندگان، تنها به کار توصیف کتاب‌ها پرداخته‌اند و حتی نیم‌نگاهی به تحلیل و نقد آن‌ها نداشته‌اند و برخی به جای مطالعه کامل کتاب و نقد آن ترجیح داده‌اند به سراغ پیشگفتار و مقدمه کتاب رفته و از زبان نویسنده اثر، خلاصه‌ای درباره آن کتاب بنویسند. این نوع نقد و تحلیل، از ارزش علمی کتاب‌شناسی‌ها و اعتماد خوانندگان می‌کاهد. هنگامی که نویسنده‌ای در کتاب‌شناسی خود، ادعای توصیف و تحلیل را دارد، می‌باید مانند دو خط موازی و دو تفکر مکمل و همسو، هم جنبه توصیف کتاب‌ها را به بهترین شیوه برگزیند و هم به خوبی به کار نقد و تحلیل کتب بپردازد. خواه نام این کار را نقد بنهیم و خواه ارزیابی دقیق «نقد هنر، ذاتاً مشتمل بر ارزیابی است و بس. نقد فعالیت‌هایی شامل، وصف، تبیین، دسته‌بندی، بررسی زمینه‌های پیدایش، تفسیر، تحلیل را دربر می‌گیرد. علاوه بر این فعالیت‌ها، شرط لام نقد، به معنای درست کلمه، ارزیابی است. به بیان دیگر، ارزیابی جزء ذاتی نقد است» (کارول: ۱۳۹۳: ۵۱).

در میان کتاب‌شناسی‌های نوشته شده درباره اسطوره، بهترین کار را می‌توان «کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اساطیر ایران، هند، بین‌النهرین، چین، ژاپن، در زبان فارسی (۱۳۰۰-۱۳۸۹) نوشته عظیم جبار ناصرو دانست. در این نوشته که رساله دکتری نویسنده است، برخی از کتاب‌های آورده شده به خوبی مورد نقد و تحلیل قرار گرفته‌اند. هم‌چنین تفکیک موضوعی کتاب‌ها به دو شکل تحلیلی و توصیفی از ویژگی‌های چشم‌نواز این رساله است. در بخش نقد و نظر نیز، نویسنده کوشیده است تا از روشی علمی و یکدست بهره بگیرد و برخلاف برخی نویسندگان کتاب‌شناسی‌های تحلیلی - که از مقدمه مؤلف در نقد خود بهره می‌گیرند - نظرات خودش را در بیان کرده است.

از دیگر آسیب‌هایی که در حوزه تحلیل کتاب‌شناسی‌های اسطوره دیده می‌شود، آن است که نویسندگان، چارچوب مشخصی را برای کار نقد ارائه ندهند و روش علمی و هدفمند و تعریف‌شده‌ای ندارند و اگر نقدی صورت گرفته

است، دریافت شخصی نویسنده می‌باشد و به همین دلیل شاهد پراکندگی نظرات مؤلف در نقد و تحلیل کتاب‌ها می‌باشیم. ارائه نظر شخصی برخی از نویسندگان در حوزه تحلیل کتاب‌شناسی باعث سردرگمی و عدم انسجام یک روش صحیح برای مخاطبین کتاب‌شناسی است که نه تنها دامن‌گیر کتاب‌شناسی اسطوره، بلکه سایر حوزه‌های علوم از جمله ادبیات تطبیقی هم است.

نبود کتاب‌شناسی جامع در رشته نوپای ادبیات تطبیقی و بی‌اطلاعی برخی پژوهشگران از پژوهش‌ها و تحقیقات انجام‌گرفته پیشین، خواه ناخواه به پژوهش‌های مشابه منجر می‌شود. یکی از اهداف اصلی این پژوهش، در معرفی کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها، اطلاع از پژوهش‌های گذشتگان است تا پژوهشگران باتوجه‌به اطلاعات کتاب‌شناسی، از چندوچون و احتمالاً از کاستی‌های پژوهش‌های پیشین آگاه شوند و با خلاقیت و نوآوری، به پژوهش تازه مبادرت ورزند (ایران‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰).

۶. کاستی‌های ناشی از عدم تسلط بر موضوع اسطوره

از دیگر آسیب‌هایی که در کتاب‌شناسی‌های توصیفی - تحلیلی اسطوره به چشم می‌خورد، عدم آشنایی کامل نویسندگان با موضوع اسطوره و مضامین اساطیری است. خواه این مضامین در حوزه نام قهرمانان اساطیری باشد و یا هرآنچه با موضوع اساطیر در ارتباط است. به‌خصوص در اسطوره‌های دیگر مناطق جهان این نکته بیش‌تر دیده می‌شود. از این‌رو گاه در کتاب‌شناسی‌های نوشته شده، شاهد تغییر اسامی اسطوره‌ها در قسمت‌های مختلف هستیم. در جایی از کتاب، نام قهرمان یا موضوع مربوط به اسطوره به شکلی آمده است و در قسمتی دیگر شکل آن متفاوت آورده شده است. شاید بتوان یکی از دلایل این موضوع را در ترجمه‌ای بودن کتاب‌های اسطوره بدانیم. به جز ترجمه‌های لندک دانشگاهی و آثار مترجمان معدودی مانند باجلان فرخی (۱۳۱۷ ه.ش)، عباس مخبر (۱۳۳۲ ه.ش) و جلال ستاری (۱۴۰۰ - ۱۳۱۰ ه.ش) که ستاری را در این میان «یکی از معرفان اساطیر ملل» دانسته‌اند (ر.ک: مخبر، ۱۳۸۰: ۵۷)، حوزه ترجمه کتاب‌های اسطوره به‌طور کلی از کاستی‌های زیادی رنج می‌برد. نتیجه منطقی کاستی‌های یادشده، خطاهای ترجمه است که باعث ایجاد بی‌نظمی در کار کتاب‌شناسی‌ها نیز شده است. برخی از این بی‌نظمی‌ها و بی‌دقتی‌ها به‌وسیله متخصصان ترجمه بازگویی شده است (ر.ک: جلالی مقدم، ۱۳۷۴: ۲۹). البته این کم‌دقتی‌ها تنها به حوزه دانش اسطوره‌شناسی اختصاص ندارد و در ترجمه بسیاری از متون ادبی می‌توان شاهد این کاستی بود. آن چنان که در بسیاری از کتاب‌های دانشگاهی نیز، ضبط کلمات یکسان نیست. به‌عنوان نمونه برخی از کتاب‌ها واژه «ژاپن» و در کتابی دیگر «ژاپون» آورده شده است. بنابراین بایسته است تا ضبط کلمات لاتین در زبان فارسی شیوه واحدی پیدا کند و مرجع آن فرهنگستان زبان و ادب فارسی باشد.

این کم‌دقتی‌ها، تقریباً در تمام گستره ترجمه‌ها و به تبع آن کتاب‌شناسی‌های اسطوره دیده می‌شود. از جمله (ترجمه واژگان، تلون در ترجمه، ضبط نادرست نام‌ها، ترجمه عبارات و...). هرچند به قول لوی استروس «ارزش اسطوره حتی در بدترین ترجمه‌ها نیز حفظ می‌شود» (استروس، ۱۳۷۳: ۱۳۹).

۷. کاستی‌های دانشگاهی و فرهنگی

یکی از عوامل تأثیرگذار در بحث کاستی‌های کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسطوره در ایران، نقش دانشگاه‌هاست. نقش اصلی دانشگاه، جایگاهی است برای بالا بردن سطح تحلیل و درک و گرایش به سوی تفکر انتقادی، ارتقای خردورزی و در نهایت بالا بردن سطح فرهنگ و اندیشه جامعه. «برخی از اسطوره‌پژوهان، اسطوره را یاری‌گری می‌دانند که حس حماسی را برای دستیابی جامعه به اهداف ملی و مذهبی برمی‌انگیزاند» (مهرابی کوشکی، ۱۳۹۵: ۸). با آن‌که در سال‌های متأخر برخی از دانشگاه‌های ایران توجه خاصی به ادبیات حماسی و در کنار آن بررسی موضوع اسطوره داشته‌اند، اما متأسفانه در حوزه اساطیر، کارهای ارزشمند و بایسته‌ای که متناسب با نیاز جامعه دانشگاهی باشد - آن‌چنان‌که شایسته این حوزه مهم از علوم انسانی است - صورت نپذیرفته است. این کاستی در عدم پرورش یافتن دانشجویان صاحب‌نظر در این حوزه به‌خوبی خود را نشان می‌دهد و شاید به همین دلیل، این کاستی در کمیّت و کیفیت پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی که در زمینه اسطوره وجود دارد، به‌صورت بارزتر دیده می‌شود. این نقص تنها در کتاب‌شناسی اسطوره دیده نمی‌شود، بلکه مفهوم اسطوره در علوم انسانی ایران، به شدت ضعیف و مهجور مانده است، در حالی‌که در سنت علوم انسانی در فلسفه، دین‌شناسی، جامعه‌شناسی و از همه مهم‌تر در انسان‌شناسی و قوم‌شناسی، اسطوره یک مفهوم کلیدی و محوری در شناخت جامعه و فرهنگ بشری بدل شده است و مجموعه‌ای وسیع از نظریات در این علوم مختلف، در اطراف این مفهوم شکل گرفته‌اند که بیانگر سلسله‌ای از تکاپوها و تلاش‌های دانشمندان در شناخت امر اسطوره در جهان جدید و سنتی است.

در حوزه کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسطوره نیز تنها دانشگاهی که همّت عالی خود را بر این کار مصروف کرده است، دانشگاه شیراز می‌باشد که از نظر کمی و کیفی با داشتن سه پایان‌نامه در این حوزه، از همه دانشگاه‌های ایران پیشی گرفته است. البته دانشگاه حکیم سبزواری نیز نشان داده است که به جایگاه رفیع دانش اسطوره‌شناسی وقوف کامل دارد و در زمینه کتاب‌شناسی با «کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اساطیر ایران در سال‌های ۱۳۷۰ - ۱۳۸۵» از اعظم رضوانی و «کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اساطیر ایران در سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۴۰۰» نوشته سید محمد هاشمی، در این حوزه از جایگاه خوبی برخوردار است. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی نیز با پایان‌نامه «تحلیل، طبقه‌بندی و کتاب‌شناسی اسطوره از آغاز سال ۱۳۵۰ تا پایان سال ۱۳۹۰» به کوشش پوری خاکپور، در این زمینه فعالیت داشته است.

دانشگاه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکزی که می‌تواند سطح تفکر جامعه را در همه حوزه‌ها افزایش دهد، می‌تواند در حوزه اسطوره نیز تأثیرگذاری خود را نشان دهد. آن‌چنان‌که می‌بینیم، استفاده از دانش اسطوره‌شناسی برای اهداف آموزشی، کارکرد عمومی یافته است (ر.ک: دلاشو، ۱۳۶۶: ۵۶-۵۷) و نمی‌توان از تأثیر و کارکرد اصلی اسطوره در فرهنگ جوامع چشم پوشید، زیرا «بررسی اسطوره، بدون توجه به کارکرد آن، امری بیهوده به حساب می‌آید» (سگال، ۱۳۹۴: ۸۵) و اصولاً «با بررسی مجموعه‌های اساطیری و کشف کیفیات آن‌ها در خدمت مردم‌شناسی

فرهنگی قرار گیرد» (بهار، ۱۳۷۵: ۳۵۷). یکی از مهم‌ترین گام‌ها، نوشتن کتاب‌هایی در حوزه اساطیر و به‌خصوص در زمینه کتاب‌شناسی اسطوره است. اسطوره‌ها مجسم‌کننده ارزش‌های روحانی یک فرهنگ‌اند و هر جامعه، اسطوره‌های ویژه خود را نگه می‌دارد (ر.ک: روزنبرگ، ۱۳۷۹: ۱۷) و «الگوی برای نحوه رفتار و سلوک آدمیان هستند» (آموزگار، ۱۳۷۴: ۴). حتی به اعتقاد برخی از اسطوره‌پژوهان، باورهای اسطوره‌ای الگوها و رفتارهای اخلاقی جامعه را توجیه می‌کنند (ر.ک: ستاری، ۱۳۸۳: ۶). شاید مهم‌ترین دلیل این تأثیر آن است که اسطوره‌ها چیزی جدا از رخدادهای زندگی انسان نیست و در واقع مردم هر جامعه آن را به‌عنوان یک تجربه فرهنگی پذیرفته‌اند «اسطوره همواره بازگو کننده چیزی است که به واقع رخ داده است. به همین علت الگوی سرمشقی رفتار انسان است» (الیاده، ۱۳۷۴: ۱۷).

۸. کاستی‌های ناشی از حجم بالای کتاب‌شناسی‌های توصیفی - تحلیلی اسطوره

از جمله مشکلاتی که در سر راه پژوهشگرانی که در حوزه کتاب‌شناسی اسطوره تحقیق می‌کنند، وجود دارد، تعداد بالای کتاب‌هایی است که در زمینه اسطوره به نگارش درآمده یا ترجمه شده‌اند. البته تعداد فراوان کتاب در این زمینه نه تنها آسیب به شمار نمی‌رود که باعث رونق مطالعات اسطوره‌شناسی و اسطوره‌پژوهی می‌گردد، اما مشکل اصلی آن است که دانشجویانی که می‌خواهند در این زمینه کتاب‌شناسی اسطوره - تحقیق کنند، خود را در برابر انبوهی از کتاب‌هایی می‌بینند که در سال‌های مورد مطالعه آنان به چاپ رسیده است. این فراوانی کتب باعث می‌گردد که پایان‌نامه‌ها و رسالاتی که با موضوع کتاب‌شناسی اسطوره نوشته می‌شود، حجم بسیار بالایی داشته باشد و گاه تا چند برابر پایان‌نامه‌های مشابه در همان حوزه اسطوره یا موضوعاتی از این دست برسد. این حجم بالا، از دقت کار نویسندگان نیز می‌کاهد. به نظر می‌رسد برای آن که کار در زمینه کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسطوره علمی‌تر و دقیق‌تر باشد، می‌باید هر پایان‌نامه و رساله‌ای که در این باره نوشته می‌شود، به بخش محدودتری از جهان بزرگ اسطوره بپردازد و بازه زمانی کم‌تری را شامل شود. در پایان با کنار هم قرار دادن پایان‌نامه‌های دانشگاهی در همین موضوع، مجموعه بسیار خوبی از تمامی کتاب‌هایی که در زمینه اسطوره به نگارش درآمده‌اند - از ابتدا تا زمان حاضر و درباره اسطوره تمام ملل - در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. کتابی که بی‌شک در یک پایان‌نامه و رساله نمی‌گنجد.

نتیجه‌گیری

آسیب‌شناسی در هر حوزه‌ای نوعی نقد به شمار می‌رود و هدف از آن کم ارزش شمردن کارهای پیشین نیست، بلکه مهم‌ترین هدف آسیب‌شناسی، بررسی تمامی کاستی‌هایی است که در آن حوزه وجود دارد. این آسیب‌ها بر کار محققان نیز لطمه وارد می‌کند و از ارزش علمی اثر آنان می‌کاهد. آسیب‌شناسی در حوزه کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسطوره نیز نشان می‌دهد که بیش‌تر آثار نوشته شده در این زمینه به دنبال جمع‌آوری کتاب‌ها در موضوع و بازه زمانی مورد ادعا بوده‌اند و بیش‌تر به کار توصیف کتب پرداخته‌اند تا تحلیل آن‌ها. هم‌چنین آسیب دیگری که کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسطوره را دچار مشکل می‌کند، بحث تحلیل است. با آن که معنی تحلیل در این گونه

از کتاب‌شناسی‌ها، نقد کتاب‌ها و بررسی ارزش علمی آن‌هاست، اما نویسندگان، کم‌تر به این کار روی آورده‌اند و در کار تحلیل کتاب‌ها به انتخاب دست زده‌اند و تنها برخی از کتاب‌ها نقد شده است. از سویی بیش‌تر آن‌چه که تحلیل شمرده شده است، منتخبی از دیباچه یا مقدمه نویسنده کتاب درباره خود اثر است نه نظر نویسنده کتاب‌شناس. از دیگر آسیب‌هایی که در حوزه کتاب‌شناسی اسطوره درخور توجه است، عدم تسلط کافی نویسندگان بر موضوع اسطوره می‌باشد. این مسئله باعث شده است که متأسفانه در آثار نوشته شده در این حوزه، شاهد غلط‌های املائی فراوانی باشیم. یکی دیگر از آسیب‌های جدی در حوزه کتاب‌شناسی اسطوره، کاستی‌های آکادمیک و دانشگاهی است. عدم توجه دانشگاه‌ها به جایگاه رفیع مطالعات اسطوره‌شناسی و اسطوره‌پژوهی، باعث شده است که در زمینه کتاب‌شناسی این شاخه از علوم انسانی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های قابل توجهی - از نظر کمی - نداشته باشیم. حجم بالای رساله‌ها و پایان‌نامه‌هایی که در کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسطوره به نگارش درآمده است نیز با وجود آن که نوعی امتیاز محسوب می‌شود، اما در زمان کوتاهی که دانشجو برای جمع‌آوری، توصیف و تحلیل تعداد بسیار زیاد کتاب‌های نوشته شده درباره موضوع تحقیق دارد، از دقت کار می‌کاهد.

تحقیق درباره آسیب‌شناسی کتاب‌شناسی اسطوره، بیانگر چند نکته اساسی است: ۱- در برخی از پژوهش‌های حوزه کتاب‌شناسی اسطوره، محققان در ارائه کتاب‌شناسی به مخاطبان، هدف منسجمی را دنبال نمی‌کنند و صرفاً به توصیف و گاه تحلیل کتاب‌ها می‌پردازند؛ ۲- با توجه به این که مباحثی مانند کتاب‌شناسی اسطوره تخصصی است، برخی از کتاب‌شناسی‌ها صرفاً به دنبال ارائه یک تصویر کلی از بحث اسطوره هستند؛ که گاه در برخی از موارد مخاطبان این حوزه از کتاب‌شناسی به غلط می‌اندیشند که در کشورمان نظریه‌پرداز در زمینه اسطوره داریم. مخاطبان باید این آگاهی را از کتاب‌شناسی‌ها کسب کنند که ما در ایران فقط اسطوره‌پژوه داریم؛ و آنچه مورد پژوهش قرار می‌گیرد با توجه به نظریات افرادی مانند الیاده، یونگ و... است. بنابراین ارائه طرحی جامع درباره کتاب‌شناسی‌هایی که در حوزه اسطوره نوشته شده است و می‌تواند آثار اسطوره‌پژوهی را از نظریه‌پردازان اسطوره جدا کند، امری بهبود دهنده به وضع کتاب‌شناسی اسطوره است.

هم‌چنین پیشنهاد می‌شود، دانشجویانی به سراغ نوشتن پایان‌نامه و رساله در موضوع کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسطوره بروند که از دانش کافی در زمینه شناخت اسطوره و آنچه مربوط به دانش اسطوره‌شناسی است، برخوردار باشند و هم‌چنین قدرت تحلیل و نقد خوبی داشته باشند. نکته دیگر آن که برای برخورداری هر چه بهتر علاقه‌مندان حوزه اسطوره از کتاب‌شناسی‌های نوشته شده، بهتر آن است که دانشگاه‌هایی که به این نوع تحقیق روی آورده‌اند، با یکدیگر تعامل مناسب داشته باشند تا هم پایان‌نامه‌ها و رسالات به شکل موازی و دارای هم‌پوشانی نوشته نشوند و هم با کنار یکدیگر قرار دادن چند پایان‌نامه، محقق بتواند یک مجموعه کامل از کتاب‌شناسی اسطوره را در اختیار داشته باشد و اگر چنین شود، بدین شکل شاهد پراکنده‌نویسی در این حوزه نخواهیم بود و نیز نتیجه کار بسیار سودمندتر برای پژوهشگران آینده خواهد بود.

منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴). تاریخ اساطیری ایران، تهران: سمت.
- الیاده، میرچا. (۱۳۶۲). چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمه جلال ستّاری، تهران: سروش.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۴). اسطوره بازگشت جاودانه، ترجمه بهمن سرکاراتی، تهران: طهوری.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله و همکاران. (۱۳۹۳)، کتاب‌شناسی توصیفی ادبیات تطبیقی در ایران، تهران: علم و دانش.
- باستید، روزبه. (۱۳۷۰). دانش اساطیر، ترجمه جلال ستّاری، تهران: توس.
- برومند، مرضیه. (۱۳۶۸). راهنمای تدوین کتاب‌شناسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگه.
- بیگدلی، زاهد. (۱۳۸۶). مرجع‌شناسی عمومی لاتین، تهران: سمت.
- حاجی زاده، فرخنده. (۱۳۸۰). کتاب‌شناسی اساطیر و دین، تهران: روشنگران.
- حسن‌لاریجانی، حجت‌الله. (۱۳۸۱). مرجع‌شناسی عمومی، تهران: مرکز برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حضرتی، حسن. (۱۳۸۳). مآخذشناسی توصیفی تاریخ تشیع امامیه در ایران، تهران: معاونت پژوهشی، انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- دلشوی، لوفر. (۱۳۶۶). زبان رمزی قصه‌های پریوار، تهران: توس.
- دیگن، مریلن و سیمون تانر. (۱۳۹۴). آینده دیجیتال کتابخانه‌ها (راهبردهایی برای عصر دیجیتال)، ترجمه عباس گیلوری، تهران: کتابدار.
- روزنبرگ، دونا. (۱۳۷۹). اساطیر جهان: داستان‌ها و حماسه‌ها، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: اساطیر.
- رهگذر، رضا. (۱۳۶۸). بیابید ماهیگیری بیاموزیم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
- ستّاری، جلال. (۱۳۸۳). اسطوره در جهان امروز، تهران: فکر روز.
- سگال، رابرت آلن. (۱۳۹۴). اسطوره، مترجم فریده فرنود فر، تهران: حکمت.
- سینایی، مجید. (۱۳۸۶). نقد کتاب در ایران، تهران: خانه کتاب.

- صافی، قاسم. (۱۳۶۴). روش تألیف و نقد و اصلاح، تهران: گوتنبرگ.
- صافی، قاسم. (۱۳۸۲). آیین نگارش و ویرایش، تهران: ارسباران.
- صدیق بهزادی، ماندانا. (۱۳۸۰). کتاب‌شناسی مولوی، تهران: مرکز جهاد دانشگاهی.
- فتّاحی، رحمت‌الله. (۱۳۷۸). شناختی از دانش‌شناسی، تهران: کتابدار.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). مروری بر وضعیت نقد ادبی در ایران، نامه نقد (مجموعه مقالات نخستین همایش نظریه و نقد ادبی در ایران)، دفتر اول، تهران: خانه کتاب.
- کارول، نوئل. (۱۳۹۳). درباره نقد (گذری بر فلسفه نقد)، ترجمه صالح طباطبایی، تهران: نی.
- کتس، ویلیام. (۱۳۸۲). مقدم‌های بر اثر مرجع (ج ۱)، ترجمه رحیم فرخی‌شاهگلی، تبریز: دانشگاه تبریز.
- کریمیان‌سردشتی نادر و عسکری چاوردی علیرضا. (۱۳۷۹). کتاب‌شناسی نوروژ، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده مردم‌شناسی.
- کزّازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۲). رؤیا، حماسه، اسطوره، تهران: مرکز.
- مایزر، چت. (۱۳۷۴). آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سمت.
- محمدی‌فر، محمدرضا. (۱۳۷۶). فرهنگ جامع مرجع‌شناسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مرادی، نورالله. (۱۳۷۹). مرجع‌شناسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- منصوری، رضا. (۱۳۸۴). ایران را چه کنیم؟ (ساماندهی و نابسامانی‌های توسعه علمی)، تهران: کویر.
- میراحمدی، مریم. (۱۳۶۹). کتاب‌شناسی تاریخ ایران در دوران باستان، تهران: امیرکبیر.
- وارنر، رکس. (۱۳۸۶). دانش‌نامه اساطیر جهان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: اسطوره.
- هادی، سهراب. (۱۳۷۷). شناخت اسطوره‌های ملل، تهران: تندیس.

مقالات

- استروس، لویی. (۱۳۷۳). «بررسی ساختاری اسطوره»، ترجمه بهار مختاریان و فضل‌الله پاکزاد، مجله فلسفه و کلام، ارغنون، شماره ۴، ۱۶۰-۱۳۵.
- اسماعیل‌پور مطلق، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). «مهرداد بهار، ایران شناس و پژوهشگر اسطوره‌شناسی»، مجله انسان‌شناسی، دوره اول، شماره ۲، ۲۱۶-۲۱۳.

جلالی‌مقدم، مسعود. (۱۳۷۴). «نقد اسطوره، رؤیا، راز»، مجله نشر دانش، شماره ۸۹، ۳۴-۲۹.

مخبر، عباس. (۱۳۸۰). «اسطوره و رؤیای جمعی»، کتاب ماه هنر، ۶۱-۵۷.

مسرت، حسین. (۱۳۷۳). «کتاب‌شناسی نخستین گام اطلاع‌رسانی است»، فصل‌نامه اطلاع‌رسانی، ۱۱(۱)، ۸۴-۶۹.

پایان‌نامه‌ها

آریا، لیلا. (۱۳۹۱). کتاب‌شناسی توصیفی-تحلیلی اساطیر آمریکا، مصر، اسکاندایناوی (۱۳۰۰ تا ۱۳۸۹) و بررسی عناصر مشترک آن‌ها با اساطیر ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی اکبر نحوی، مشاور زهرا ریاحی زمین، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.

جباره ناصرو، عظیم. (۱۳۹۰). کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اساطیر ایران، هند، بین‌النهرین، چین و ژاپن در زبان فارسی (۱۳۰۰-۱۳۸۹)، رساله دکتری، به راهنمایی زهرا ریاحی زمین، مشاوران اکبر نحوی و محمدرضا امینی، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.

خاکپور، پوری. (۱۳۹۱). «تحلیل، طبقه‌بندی و کتاب‌شناسی اسطوره از آغاز سال ۱۳۵۰ تا پایان سال ۱۳۹۰»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی شروین خمسه، مشاور عالی یوسف‌فام، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

رضوانی، اعظم. (۱۳۸۸). کتاب‌شناسی توصیفی-تحلیلی اساطیر ایران در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی احمد خواجه‌ایم، مشاور ابراهیم استاجی، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.

فروزان کیا، فرهاد. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی مطالعات اسطوره‌پژوهی در ایران، رساله دکتری، به راهنمایی مهیار علوی‌مقدم، مشاوران ابراهیم استاجی و حسن دلبری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری.

محمدی، رسول. (۱۳۹۲). کتاب‌شناسی توصیفی-تحلیلی اساطیر یونان در زبان فارسی (۱۳۰۰ تا ۱۳۸۹)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی اکبر صیاد کوه، مشاور اکبر نحوی، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.